

تبیین نگرش نسلی به زن در جامعه ایران

تقی آزاد ارمکی *

غلامرضا غفاری **

چکیده

در این مقاله نگرش نسلی به موضوع جنسیت در قالب سه نسل جوان، میانسال و سالخورده مورد بررسی قرار گرفته و هدف پاسخگویی به سه پرسش زیر است:

۱. آیا نسل‌های مختلف نگاه و نگرش متفاوتی نسبت به زن دارند؟
۲. آیا این تفاوت در جامعه شهری و روستایی به صورت یکسان وجود دارد؟
۳. آیا نگرش نسلی میان دو جنس زن و مرد تفاوت دارد؟

نتایج آزمون آماری بر روی داده‌های پژوهش که به روش پیمایشی و باتکنیک مصاحبه حضوری در شهر تهران و کاشان جمع‌آوری شده است دلالت بر وجود روابط و تفاوت معنادار بین نگرش به زن، میان سه نسل جوان، میانسال و سالخورده و نیز در جامعه شهری و روستایی و در جامعه زنان و مردان دارد.

کلید واژه

انسداد اجتماعی / دیدگاه فمینیستی رادیکالی / نسل / نگرش

* دارای دکتری جامعه‌شناسی از دانشگاه مریلند (آمریکا) و دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

E-mail : tazad@chamran.ut.ac.ir

** دارای دکتری جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران و استادیار گروه تعاون و رفاه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی

E-mail : ghaffary@chamran.ut.ac.ir

دانشگاه تهران

مقدمه

نگرش به موضوع جنسیت یکی از ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی جوامع تلقی می‌شود و به عنوان معیاری برای تفکیک جوامع از جهت مردگرایی - زن‌گرایی و یا سنتی - مدرن بکاربرده شده است. علاوه بر این، تطور نگرش به این مقوله در حکم شاخصه‌ای است برای بیان تحولات نگرشی که پیوند دقیقی با تحقق دگرگونی در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی دارد. بی‌تردید چگونگی نگرش و طرز تلقی نسبت به زنان، به عنوان نیمی از جمعیت جامعه، تمامی کنش‌ها، فرایندها و ساختارهای اجتماعی را در سطوح خرد، میانی و کلان دستخوش تغییر و تحت تاثیر قرار می‌دهد. در نتیجه نگرش به زن و در معنای عمومی‌تر آن مقوله جنسیت می‌تواند بیانگر چگونگی وضعیت دیگر شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه نیز باشد.

رویکرد نظری

دیدگاه‌های فمینیستی رادیکال بر این نکته تاکید دارند که در جوامع غربی نگاه مردسالاری شدید وجود دارد و برآیند آن نیز نوعی ذهنیت و نگرش منفی نسبت به زنان، به حاشیه راندن آنها از صحنه و فضای عمومی جامعه است، به گونه‌ای که زندگی اجتماعی زنان را محدود به عرصه خصوصی در قالب زندگی فردی و درون خانواده می‌نماید. به تعبیری «پدرسالاری» به عنوان نوعی ساختار تسلط و انقیاد در شکل گسترده‌ترین و ماندگارترین نظام نابرابری تداوم پیدا کرده و به صورت بنیادی‌ترین الگوی اجتماعی مسلط در آمده است. مردها از طریق مشارکت در پدرسالاری یاد می‌گیرند که چگونه آدمهای دیگر را با تحقیر نگاه کنند و به عنوان موجودات غیرانسانی تحت نظارت خود در آورند (ریتزر ۱۳۷۴، ۴۸۹). این نوع نگاه مسیر ورود به تغییر را برای نیل به یک جامعه برابر انگارانه، در تحقق ساختار شکنی شدید در جامعه می‌بیند، ساختاری که به زعم آنها مردسالارانه است. به تعبیر «سعداوی» چنین تغییری تنها از طریق تغییر دادن رابطه میان زن و مرد در جامعه با اعمال و رویه‌ای اجتماعی صورت خواهد گرفت که فرایندی طولانی مدت دارد و دربردارنده شیوه‌های جدید تربیتی و

آموزشی است (شرابی، ۱۳۸۰، ۷۰). چنین فرایندی زمینه را برای تغییر ساختار مرد سالارانه به نفع ساختار برابر خواهانه ممکن خواهد ساخت.

در کنار دیدگاههای رادیکالی نظرات متعادل تری نیز وجود دارد که بر فرایند بازسازی ذهنی در خصوص نگاه به مقوله جنسیت تاکید می‌ورزد. فرایندی که در تحول جوامع از مراحل سنتی به مراحل گذار و جدید، و بواسطه مواجهه و ارتباط با دیگر فرایندهای اجتماعی - فرهنگی ظهور و نمود پیدا می‌کند. در این نوع نگاه کلیت وضعیت جدید و تحولات نگرشی را باید حاصل نوعی اثرگذاری متعامل بین فراشدهای نرم ذهنی و جریان‌های سخت ساختاری و فرافردی دانست. به عبارتی دیالکتیک بین عاملیت و ساختار مورد توجه است. به گونه‌ای که فرایند بازسازی ذهنی در طی زمان و در سیورورت خود همراه می‌شود با خلق نوعی نظام هنجاری که زمینه را برای ظهور کنش و ایفای نقش موثر فراهم می‌سازد. برای مثال در کار اینگلهارت^۱ در خصوص بررسی تحولات فرهنگی غرب می‌بینیم که تغییر در هنجارهای حاکم بر مشارکت سیاسی زنان را یکی از عوامل افزایش میزان مشارکت سیاسی می‌داند (اینگلهارت، ۱۳۷۳، ۷۸) و یا نولان^۲ و لنسکی^۳ با نگاه کلان گرایانه خود از زاویه تحول در نقش‌ها مطرح می‌کند. تأثیر صنعتی شدن بر معیارها، موازین و ارزشهای اجتماعی هیچ کجا آشکارتر از تحولاتی نیست که در نقش زنان دیده می‌شود. تغییرات حاصل شده در نقش زنان آشکارا در شیوه زندگی آنان بازتاب یافته است. شگفت‌انگیز نیست که در زمینه‌های فراسوی اشتغال و زندگی خانوادگی بسیاری از تفاوت‌های سنتی بین دو جنس رنگ و بوی خود را از دست داده باشد (نولان و لنسکی، ۱۳۸۰، ۴۶۵).

به طور کلی ادبیات موجود در مورد نگاه و نگرش به زن حکایت از نوعی حرکت از تضاد نگرش و قطبی نگرستن به مقوله جنسیت، به سمت تحقق و کسب نوعی نگرش متعادل در صحنه اجتماعی و فرهنگی جوامع دارد که سازوکاری ارزشمند

۱. Ingelhart

۲. Nolan

۳. Lenski

در فرایند روان سازی اجتماعی است و مقوم فرایندهای برابری فرصتها، برابری در مشارکت و در نهایت تقویت جریان توسعه اجتماعی می‌باشد، در مقابل از ظهور فرایندهای منفی چون انزوای اجتماعی، حاشیه‌ای شدن، خارج شدن از صحنه عمومی و انسداد اجتماعی ممانعت می‌کند.

پرسش‌های تحقیق

پیمایش‌های انجام شده در خصوص نگرش ایرانیان به کار زنان در خارج از منزل نشان می‌دهد که در نسبت موافق به مخالف کارکردن خانمها در بیرون از خانه تفاوت‌هایی بوجود آمده است. به طوری که نسبت موافقان به مخالفان کار زن در خارج از خانه در نظرسنجی تقریباً ۳۰ سال پیش، بسیار اندک بوده و این نسبت در آن زمان برای مناطق شهری به حدود ۰/۲۹ می‌رسیده است. در حالی که همین نسبت در سال ۱۳۷۴ بیش از یک می‌باشد و تعداد موافقان نیز بیش از مخالفان است. (عبدی و گودرزی، ۱۳۷۸، ۳۰) جنسیت نیز با این تفاوت نگرش، ارتباط معناداری داشته است. در حالیکه نسبت موافق به مخالف در مورد کار خانمها در بیرون از منزل برای مردان حدود یک است و برای زنان حدود ۱/۹ می‌باشد. آزمون کای اسکوئر با ۹۹ درصد اطمینان، تفاوت معناداری بین دو متغیر جنس و میزان موافقت با کار زنان در خارج از خانه را نشان می‌دهد. (محسنی، ۱۳۷۹، ۴۰۱)

در این مقاله قصد شناسایی عوامل و زمینه‌های تکوین و شکل‌گیری نگرش‌ها را نداریم، بلکه در این تحقیق تلاش شده است تا رابطه بین تفاوت نسلی (جوان، میانسال و سالخورده) و نوع زندگی (شهری و روستایی) با نگرش به جنسیت روشن شود. این مسئله در قالب سه پرسش زیر مطرح شده است:

- ۱- آیا افرادی که در سه نسل جوان، میانسال و سالخورده قرار می‌گیرند نگرش متفاوتی نسبت به مقوله جنسیت دارند؟
- ۲- در صورت تایید وجود تفاوت نسلی در نگرش به جنسیت، آیا این تفاوت به تفکیک جامعه شهری و روستایی نیز مورد تایید است؟

۳- آیا با لحاظ نمودن صفت جنسیت، نگرش هریک از نسل‌های جوان، میانسال و سالخورده نسبت به مقوله جنسیت تفاوت پیدا می‌کند؟

روش تحقیق و جامعه آماری

برای شناسایی چگونگی توزیع و سهم روابط بین متغیرهای مورد مطالعه از روش تحقیق پیمایشی استفاده شده است و با بهره‌گیری از تکنیک مصاحبه حضوری مستقیم، داده‌های مورد نیاز از جامعه مورد بررسی جمع‌آوری شده‌اند. جمعیت بالای ۱۵ سال در دو شهرستان تهران و کاشان به عنوان جامعه هدف می‌باشد که جامعه مورد بررسی را در خود مستتر دارد. انتخاب این دو شهرستان در مقیاس جامعه ایران تحت تأثیر این تفکر است که جمعیت تهران به عنوان مدرن‌ترین شهر در ایران نمودهای اجتماعی و فرهنگی جدید را بیشتر تجربه نموده است و کاشان به عنوان شهری سنتی، به نسبت کمتر با نمودهای اجتماعی و فرهنگی جدید مواجه بوده است. برای برآورد حجم نمونه علاوه بر لحاظ نمودن گستردگی حجم نمونه، امکان‌پذیر بودن بررسی تطبیقی بین بخشی نیز مورد توجه قرار گرفته و برای هریک از بخش‌ها نیز به صورت مستقل برآورد حجم نمونه انجام شده است. در نتیجه جامعه به چهار بخش شامل: شهر تهران، شهر کاشان، روستاهای تابع شهر تهران و روستاهای تابع شهر کاشان تقسیم شده است. حجم نمونه برآورده شده پس از تصحیح برابر با ۱۶۰۹ نفر می‌باشد. توزیع حجم نمونه در هریک از بخش‌ها برابر با حجم نمونه برای شهر تهران ۶۰۰ نفر، برای روستاهای شهر تهران ۲۴۳ نفر، برای شهر کاشان ۴۲۶ نفر و برای روستاهای شهر کاشان ۳۴۰ نفر است. در تخصیص نمونه‌ها در درون هریک از بخش‌های یاد شده پس از تقسیم بندی هر بخش به چندین بلوک، دو صفت جنس و سن نیز مورد توجه قرار گرفته است.

چگونگی توزیع و روابط بین متغیرها

متغیرهای نگرش به زن، نسل جوان، میانسال و سالخورده، جنسیت و محل سکونت متغیرهای اصلی مورد بررسی هستند. بررسی متغیر نگرش به زن در قالب پنج گویه‌ای که به پاسخگویان در قالب طیف لیکرت ارائه شده‌اند، مورد سنجش قرار گرفته است. این گویه‌ها عبارتند از:

۱. بهترین شغل برای زنان، خانه‌داری است.
۲. تحصیلات عالی برای مردان خیلی مهم‌تر است تا برای زنان
۳. به زنان در ازای کار مساوی با مردان باید مزد مساوی با مردان داد.
۴. تصمیمات اساسی خانه باید به عهده مرد باشد.
۵. کار منزل مربوط به زنان است و مردان نباید آن را انجام دهند.

تفکیک نسل جوان، میانسال و سالخورده بر مبنای گروه‌های سنی صورت گرفته است. افراد ۱۵ تا ۲۹ سال به عنوان نسل جوان، افراد ۳۰ تا ۵۴ سال به عنوان نسل میانسال و افراد ۵۵ سال به بالا به عنوان نسل سالخورده تلقی شده‌اند. نسل جوان که متولدین سالهای ۱۳۵۰ به بعد هستند شکل‌گیری ویژگی‌های شخصیتی و حیات اجتماعی‌شان از حیث تاریخی تحت تأثیر شرایط حادث شده بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ است. نسل میانسال شامل متولدین دهه سی تا پایان دهه پنجاه کسانی هستند که حیات اجتماعی‌شان تحت تأثیر حاکمیت پهلوی دوم به بعد قرار می‌گیرد و در نهایت نسل سالخورده که متولدین قبل از دهه سی را شامل می‌شوند و حیات اجتماعی‌شان مربوط به دوره تاریخی تشکیل حاکمیت خاندان پهلوی (حکومت رضاخان) و بعد از آن می‌گردد. صفات جنسیت و محل سکونت نیز به ترتیب با مقوله‌های زن، مرد، شهری و روستایی بودن مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

برای بررسی پرسش اول ابتدا به مقایسه نگرش‌های دو نسل مورد مطالعه در خصوص نگرش به مقوله زن (جنسیت) پرداخته‌ایم داده‌های جدول شماره یک این مقایسه را نشان می‌دهند.

جدول شماره ۱. توزیع فراوانی نسبی نگرش سه نسل جوان، میانسال و سالخورده

در مورد زن در جامعه مورد مطالعه

نسلها	گویهها	۱. بهترین شغل برای زنان خانه‌داری است				
		۲. تحصیلات عالی برای مردان خیلی مهم‌تر است تا برای زنان	۳. به زنان در ازای کار مساوی با مردان باید مزد مساوی با مردان داد	۴. تصمیمات اساسی خانه باید به عهده مرد باشد	۵. کار منزل مربوط به زنان است و مردان نباید آن را انجام دهند	
نسل جوان	کاملاً موافق	۲۶/۲	۲۰/۹	۴۶/۹	۲۵/۵	۱۳/۳
	موافق	۲۸/۹	۲۶/۷	۳۱/۸	۲۳/۴	۹/۴
	مردّد	۸/۰	۹/۰	۴/۶	۶/۴	۶/۳
	مخالف	۲۲/۸	۲۸/۷	۱۱/۴	۳۰/۰	۴۶/۰
	کاملاً مخالف	۱۴/۱	۱۴/۷	۵/۳	۱۴/۵	۲۵/۰
نسل میانسال	کاملاً موافق	۳۱/۹	۲۷/۶	۴۷/۶	۳۰/۲	۱۳
	موافق	۳۳/۰	۲۷/۸	۳۲/۶	۲۸/۷	۱۳/۲
	مردّد	۴/۲	۷/۳	۶/۷	۶/۵	۷/۵
	مخالف	۲۱/۵	۲۳/۶	۹/۸	۲۴/۵	۴۷/۲
	کاملاً مخالف	۹/۴	۱۳/۸	۳/۳	۱۰/۱	۱۹/۱
نسل سالخورده	کاملاً موافق	۳۹/۲	۲۷/۴	۴۴/۳	۳۰/۰	۱۲/۷
	موافق	۳۷/۷	۲۶/۱	۳۰/۸	۲۹/۶	۴/۱
	مردّد	۴/۳	۱۲/۳	۱۰/۰	۷/۱	۶/۵
	مخالف	۱۱/۸	۲۳/۶	۱۲/۶	۲۵/۲	۵۲/۱
	کاملاً مخالف	۷/۰	۱۰/۶	۲/۳	۸/۱	۱۴/۶

فراوانی‌های نسبی مربوط به سه نسل در خصوص گویه‌های مورد بررسی حکایت از تفاوت‌های نگرشی در بین سه نسل جوان، میانسال و سالخورده دارند. برای صراحت بخشی بیشتر به داده‌های جدول فوق نسبت موافقان به مخالفان هر گویه را از طریق جمع نسبت‌های کاملاً موافق و موافق و تقسیم آن به جمع نسبت‌های کاملاً مخالف و مخالف محاسبه نموده و بر مبنای این نسبت‌ها به مقایسه نگرش‌های سه نسل یاد شده می‌پردازیم.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در گویه اول نسبت موافقان به مخالفان در نسل جوان $1/5$ است در حالیکه این نسبت برای نسل میانسال $2/1$ و برای نسل سالخورده $4/09$ است یعنی افراد نسل سالخورده و میانسال به نسبت بیشتر بهترین شغل را برای زنان، خانه‌داری می‌دانند. در مورد گویه دوم نیز نسبت موافقان به مخالفان برای نسل جوان $0/91$ است ولی برای نسل میانسال و سالخورده به ترتیب برابر با $1/48$ و $1/56$ می‌باشد. در نتیجه نسل میانسال و سالخورده نسبت به این گویه که تحصیلات عالی برای مردان مهمتر است تا برای زنان، توافق بیشتری دارند. نسبت موافقان به پرداخت دستمزد برابر به زنان در مقابل کار مساوی با مردان در نسل جدید $4/7$ است ولی این نسبت در نسل‌های میانسال و سالخورده $6/1$ و 5 است و افراد نسل سالخورده به نسبت نسل جوان با این گویه نگرش موافق‌تری دارند. در خصوص گویه چهارم نسبت موافقان به مخالفان در میان افراد نسل جوان $1/1$ است، در حالیکه این نسبت در میان افراد نسل میانسال و سالخورده برابر با $1/7$ و $1/8$ می‌باشد. یعنی افراد نسل میانسال و سالخورده موافقت بیشتری را با این گویه که تصمیمات اساسی خانه باید به عهده مرد باشد، از خود نشان داده‌اند. در مورد گویه پنجم نسبت موافقان به مخالفان در میان افراد نسل جدید $0/32$ است ولی در میان افراد نسل میانسال و سالخورده این نسبت $0/4$ می‌باشد که باز دلالت بر موافقت بیشتر در میان افراد نسل سالخورده در مورد اینکه کار منزل مربوط به زنان است و مردان نباید انجام دهند، دارند.

نتایج آزمون آماری کای اسکوئر بر روی هریک از گویه‌های پنجگانه با متغیر نسلی (نسل جوان، میانسال و سالخورده) و محاسبه سنجه آماری χ^2 کرامر در جدول شماره ۲ آورده شده است.

با توجه به آماره‌های جدول شماره ۲ ملاحظه می‌شود که تفاوت معناداری در سطح اطمینان بالای ۹۹ درصد در بین همه گویه‌ها با نسل‌ها وجود دارد. در نتیجه اگر پرسش اول را در قالب فرضیه وجود تفاوت نگرش به مقوله جنسیت در دو نسل مورد مطالعه در نظر بگیریم، باید آن را فرضیه‌ای تایید شده تلقی نماییم.

جدول شماره ۲. نتایج آزمون آماری بر روی گویه‌ها در جامعه مورد مطالعه

متغیرها	مقداری کای اسکوئر	معناداری	مقدار V کرامر
گویه اول با نسلها	۶۰/۰	۰/۰۰۰	۰/۱۴
گویه دوم با نسلها	۲۰/۵	۰/۰۰۹	۰/۰۸
گویه سوم با نسلها	۲۰/۰	۰/۰۱	۰/۰۸
گویه چهارم با نسلها	۲۲/۴	۰/۰۰۴	۰/۰۸
گویه پنجم با نسلها	۲۳/۱	۰/۰۰۳	۰/۰۸

در مورد پرسش دوم که با هدف بررسی نگرش به جنسیت در جامعه شهری و روستایی مطرح شده است، چگونگی توزیع فراوانی بین نگرش افراد مورد مطالعه در سه نسل جوان، میانسال و سالخورده در جامعه شهری مورد مطالعه در قالب جدول شماره ۳ ارائه شده است.

بر مبنای فراوانی‌های نسبی جدول شماره ۳ نسبت موافقان با مخالفان گویه اول در نسل جوان برابر با ۱/۲۷ است، در حالیکه این نسبت برای نسل میانسال ۱/۵۴ و برای نسل سالخورده ۳/۶۳ می‌باشد. پس در میان نسل سالخورده جامعه شهری نسبت موافقان با این گویه بیشتر از موافقان با این گویه در نسل جوان و میانسال است. در مورد گویه دوم نسبت موافقان به مخالفان در نسل جوان ۱/۰۲ است که این نسبت در نسل میانسال ۱/۳۸ و در نسل سالخورده برابر با ۱/۲۷ می‌باشد. اگرچه تفاوت زیادی بین سه نسل وجود ندارد ولی موافقان تحصیلات عالی برای مردان در میان نسل جوان به نسبت، کمتر از افراد نسل میانسال و سالخورده است در خصوص گویه سوم نسبت موافقان به مخالفان در نسل جوان برابر با ۵/۸۷ می‌باشد ولی این نسبت در میان نسل میانسال ۶/۶۳ و در نسل سالخورده ۶/۱ است. در مورد گویه چهارم نسبت موافقان به مخالفان در نسل جوان ۱/۱۱ می‌باشد در حالیکه این نسبت در میان افراد نسل میانسال ۱/۶۴ و در نسل سالخورده ۱/۸۵ و نشانگر تفاوت نگرش در سه نسل مورد مطالعه

می‌باشد. نسبت موافقان به مخالفان برای گویه پنجم در نسل جوان ۰/۲۹ و در نسل میانسال ۰/۳۳ و در نسل سالخورده ۰/۳۶ است.

جدول شماره ۳. توزیع فراوانی نسبی نگرش سه نسل جوان، میانسال و سالخورده

در مورد زن در جامعه شهری

گویه‌ها	۱. بهترین شغل برای زنان خانه‌داری است	۲. تحصیلات عالی برای مردان خیلی مهم‌تر است تا برای زنان	۳. به زنان در ازای کار مساوی با مردان باید مزد مساوی با مردان داد	۴. تصمیمات اساسی خانه باید به عهده مرد باشد	۵. کار منزل مربوط به زنان است و مردان نباید آن را انجام دهند	نسلی
نسل جوان	کاملاً موافق	۲۰/۶	۱۹/۷	۴۸/۳	۱۸/۶	۱۰/۱
	موافق	۳۰/۱	۲۶/۶	۳۳/۳	۲۴/۹	۱۰/۹
	مردد	۹/۵	۸/۲	۴/۵	۷/۹	۷/۶
	مخالف	۲۵/۱	۳۰/۶	۱۰/۵	۳۲/۲	۴۶/۶
نسل میانسال	کاملاً موافق	۲۷/۷	۲۸/۶	۴۹/۴	۲۹/۸	۱۱/۰
	موافق	۲۹/۹	۲۵/۷	۳۲/۲	۲۸/۸	۱۳/۳
	مردد	۵/۱	۶/۴	۶/۱	۶/۱	۸/۷
	مخالف	۲۶/۰	۲۴/۸	۸/۴	۲۴/۹	۴۸/۲
نسل سالخورده	کاملاً مخالف	۱۱/۳	۱۴/۵	۳/۹	۱۰/۴	۱۸/۸
	کاملاً موافق	۳۴/۹	۲۲/۸	۴۶/۰	۲۵/۱	۷/۸
	موافق	۳۸/۸	۲۵/۴	۳۱/۹	۳۵/۱	۱۶/۹
	مردد	۶/۰	۱۳/۸	۹/۳	۷/۴	۷/۴
	مخالف	۱۴/۷	۲۸/۹	۹/۷	۲۳/۸	۵۱/۹
کاملاً مخالف	۵/۶	۹/۱	۳/۱	۸/۷	۱۶/۰	

براساس مجموعه اطلاعات، نسبت‌ها حکایت از تفاوت در بین نگرش سه نسل در جامعه شهری مورد مطالعه دارند. برای فهم معنا داری این تفاوت از آزمون آماری کای اسکور کمک گرفته شده که در جدول شماره ۴ مقادیر مربوط آورده شده است.

جدول شماره ۴. نتایج آزمون آماری بر روی گویه‌ها در جامعه شهری

متغیرها	مقداری کای اسکوتر	معناداری	مقدار V کرامر
گویه اول با نسلها	۴۲/۹	۰/۰۰۰	۰/۱۵
گویه دوم با نسلها	۲۱/۸	۰/۰۰۵	۰/۱
گویه سوم با نسلها	۷/۶	۰/۴۷	--
گویه چهارم با نسلها	۳۱/۵	۰/۰۰۰	۰/۱۲
گویه پنجم با نسلها	۱۴/۸	۰/۰۸	۰/۰۸

آماره‌های جدول شماره ۴ نشان می‌دهند که به استثناء گویه شماره سوم بقیه گویه‌ها تفاوت معناداری را در سطح اطمینان قابل قبول نشان می‌دهند. چگونگی ارتباط بین نگرش به جنسیت و نسل‌های متفاوت در جامعه روستایی مورد مطالعه نیز بررسی شده است.

جدول یافته‌های تحقیق در شماره ۵ چگونگی توزیع نگرش به جنسیت از طرف سه نسل جوان، میانسال و سالخورده را نشان می‌دهد.

نسبت موافقان به مخالفان در گویه اول برای نسل جوان ۲/۰۳ است ولی برای نسل میانسال ۴/۱۱ و برای نسل سالخورده ۴/۸۴ می‌باشد. این نسبت در گویه دوم برای نسل جوان ۱/۵۴ و برای نسل میانسال ۱/۶۸ و در نسل سالخورده ۲/۱ است یعنی نسل سالخورده با این گویه که تحصیلات عالی برای مردان مهمتر است تا برای زنان، موافقت بیشتری را نشان داده است. نسبت موافقان به مخالفان در گویه سوم برای نسل جوان ۳/۳۶ و برای نسل میانسال ۳/۸۵ است. ولی برای نسل سالخورده ۴/۰۳ می‌باشد که باز حکایت از تفاوت دارد. این نسبت در گویه‌های چهارم و پنجم به ترتیب ۱/۶۳ و ۰/۳۷ برای نسل جوان ۱/۰۷ و ۰/۲۸ برای نسل میانسال و ۱/۷۲ و ۰/۵ برای نسل سالخورده می‌باشد که باز دلالت بر تفاوت در نگرش‌های سه نسل دارد.

آزمون آماری کای اسکوتر که نتایج آن در جدول شماره ۶ آورده شده است دلالت بر وجود رابطه معناداری در بین گویه‌ها و نسل‌های مختلف دارد.

جدول شماره ۵. توزیع فراوانی نسبی نگرش سه نسل جوان، میانسال و سالخورده

در مورد زن در جامعه روستایی

گویه‌ها	۱. بهترین شغل برای زنان خانه‌داری است	۲. تحصیلات عالی برای مردان خیلی مهم‌تر است تا برای زنان	۳. به زنان در ازای کار مساوی با مردان باید مزد مساوی با مردان داد	۴. تصمیمات اساسی خانه باید به عهده مرد باشد	۵. کار منزل مربوط به زنان است و مردان نباید آن را انجام دهند	نسلی	
						کاملاً موافق	موافق
نسل جوان	کاملاً موافق	۳۶/۸	۲۳/۳	۴۴/۰	۳۸/۹	۱۹/۶	
	موافق	۲۶/۷	۲۶/۹	۲۸/۸	۲۰/۶	۶/۵	
	مردد	۵/۳	۱۰/۶	۴/۹	۴/۰	۳/۷	
	مخالف	۱۸/۲	۲۴/۹	۱۳/۲	۲۵/۵	۴۴/۹	
نسل میانسال	کاملاً موافق	۳۹/۹	۲۵/۶	۴۴/۰	۳۱/۰	۱۶/۷	
	موافق	۳۸/۷	۳۱/۵	۳۳/۳	۲۸/۶	۱۳/۱	
	مردد	۲/۴	۸/۹	۷/۷	۷/۱	۵/۴	
	مخالف	۱۳/۱	۲۱/۴	۱۲/۵	۲۳/۸	۴۵/۲	
نسل سالخورده	کاملاً موافق	۶/۰	۱۲/۵	۲/۴	۹/۵	۱۹/۶	
	کاملاً موافق	۴۵/۲	۳۳/۷	۴۲/۱	۳۶/۷	۱۹/۳	
	موافق	۳۶/۱	۲۷/۱	۲۹/۴	۲۲/۳	۱۰/۲	
	مردد	۱/۸	۱۰/۲	۱۱/۰	۶/۶	۵/۴	
	مخالف	۷/۸	۱۶/۳	۱۶/۵	۲۷/۱	۵۲/۴	
کاملاً مخالف	۹/۰	۱۲/۷	۱/۲	۷/۲	۱۲/۷		

جدول شماره ۶. نتایج آزمون آماری بر روی گویه‌ها در جامعه روستایی

متغیرها	مقداری کای اسکوئر	معناداری	مقدار V کرامر
گویه اول با نسلها	۲۴	۰/۰۰۲	۰/۱۴
گویه دوم با نسلها	۹/۱	۰/۳۳	--
گویه سوم با نسلها	۲۲/۱	۰/۰۰۵	۰/۱۴
گویه چهارم با نسلها	۸/۴	۰/۴	۰/۰۸
گویه پنجم با نسلها	۱۵/۳۵	۰/۰۵	۰/۱۲

آماره‌های جدول شماره ۶ نشان می‌دهند که کلیه گویه‌ها به استثناء گویه دوم با سه نسل جوان، میانسال و سالخورده تفاوت معناداری را در سطح اطمینان قابل قبول نشان می‌دهند. در مجموع با توجه به نتایج آزمون آماری جدول شماره ۴ و جدول شماره ۶ می‌توان عنوان نمود که نگرش به جنسیت در دو جامعه شهری و روستایی در قالب نسل‌های مورد مطالعه تفاوت معناداری دارد، هرچند که این تفاوت در جامعه شهری و روستایی خود همراه با تفاوت‌هایی نیز می‌باشد.

در ارتباط با پرسش سوم این مقاله نیز توزیع نسبی نگرش افراد مورد مطالعه بر حسب جنسیت بررسی شده است و جدول شماره ۷ توزیع فراوانی نسبی نگرش زنان را در سه نسل جوان، میانسال و سالخورده به مقوله جنسیت نشان می‌دهد.

نسبت موافقان به مخالفان در گویه اول برای نسل جوان برابر با $1/03$ و برای نسل میانسال $2/1$ است ولی در نسل سالخورده این نسبت برابر با 3 است که بیانگر تفاوت نگرش قابل توجهی بین سه نسل نسبت به این گونه می‌باشد. این نسبت برای گویه دوم در مورد نسل جوان $0/84$ و برای نسل میانسال $1/7$ است و برای نسل سالخورده $1/5$ می‌باشد که باز حکایت از تفاوت نگرش در بین سه نسل دارد. نسبت موافقان به مخالفان در گویه‌های سوم، چهارم و پنجم برای نسل جوان به ترتیب $6/03$ ، $0/77$ و $0/41$ برای نسل میانسال به ترتیب $9/35$ ، $1/3$ ، $0/26$ و برای نسل سالخورده $6/74$ ، $1/71$ و $0/41$ می‌باشد. با انجام آزمون آماری کای اسکوئر بر روی هر یک از گویه‌ها و نسل‌ها با توجه به آماره‌های ارائه شده در جدول شماره ۸ معناداری تفاوت نگرش بین نسل‌ها در جامعه زنان مورد مطالعه نیز تایید می‌گردد.

آماره‌های جدول شماره ۸ نشان می‌دهند تمام گویه‌ها به استثناء گویه سوم که مقدار کای اسکوئر آن در سطح معناداری قرار ندارد، تفاوت معناداری را در سطح اطمینان بالای ۹۹ درصد در دو نسل مورد مطالعه نشان می‌دهند.

تفاوت نگرش در جامعه مردان مورد مطالعه نیز بررسی شده است و توزیع نسبی نگرش مردان به گویه‌های مربوط به مقوله جنسیت در جدول شماره ۹ نشان داده می‌شود.

جدول شماره ۷. توزیع فراوانی نسبی نگرش سه نسل جوان، میانسال و سالخورده

در جامعه مورد مطالعه

گویه‌ها	۱. بهترین شغل برای زنان خانه‌داری است	۲. تحصیلات عالی برای مردان خیلی مهم‌تر است تا برای زنان	۳. به زنان در ازای کار مساوی با مردان باید مزد مساوی با مردان داد	۴. تصمیمات اساسی خانه باید به عهده مرد باشد	۵. کار منزل مربوط به زنان است و مردان نباید آن را انجام دهند	نسلی	
						کاملاً موافق	موافق
نسل جوان	کاملاً موافق	۲۷/۴	۲۵/۱	۵۹/۴	۲۴/۰	۱۶/۱	
	موافق	۱۷/۸	۱۶/۵	۲۲/۱	۱۶/۱	۴/۹	
	مردد	۱۰/۹	۸/۹	۵/۰	۷/۶	۵/۹	
	مخالف	۲۳/۸	۳۰/۰	۷/۹	۳۲/۶	۴۳/۸	
نسل میانسال	کاملاً موافق	۲۰/۱	۱۹/۵	۵/۶	۱۹/۷	۲۹/۳	
	موافق	۳۸/۱	۳۵/۸	۵۹/۱	۳۲/۱	۱۰/۷	
	مردد	۳/۷	۷/۰	۳/۷	۱۹/۱	۸/۸	
	مخالف	۲۲/۳	۲۱/۹	۶/۰	۳۰/۷	۵۵/۸	
نسل سالخورده	کاملاً موافق	۸/۸	۱۲/۶	۳/۳	۸/۸	۱۸/۶	
	موافق	۳۸/۰	۳۲/۳	۵۸/۱	۳۵/۱	۱۵/۸	
	مردد	۳۱/۶	۲۰/۵	۲۲/۸	۲۵/۱	۱۲/۳	
	مخالف	۱۴/۰	۲۵/۱	۹/۰	۲۳/۴	۵۰/۳	
	کاملاً مخالف	۹/۴	۱۰/۵	۳/۰	۱۱/۷	۱۷/۵	

جدول شماره ۸. نتایج آزمون آماری بر روی گویه‌ها در جامعه زنان مورد مطالعه

متغیرها	مقداری کای اسکواتر	معناداری	مقدار V کرامر
گویه اول با نسلها	۴۴/۲	۰/۰۰۰	۰/۱۸
گویه دوم با نسلها	۱۹/۹	۰/۰۱	۰/۱۲
گویه سوم با نسلها	۷/۷	۰/۴۵	--
گویه چهارم با نسلها	۲۷/۶	۰/۰۰۰	۰/۱۴
گویه پنجم با نسلها	۲۴/۴	۰/۰۰۰	۰/۱۳

آماره‌های جدول شماره ۹ نشان می‌دهند نسبت موافقان به مخالفان در گویه اول برای نسل جوان ۱/۹۶ و برای نسل میانسال ۲/۱ است که این نسبت در نسل سالخورده ۵/۳۵ می‌باشد و تفاوت قابل ملاحظه‌ای را بین آنها نشان می‌دهد. در مورد گویه دوم این نسبت برای نسل جوان ۱/۳۳، برای نسل میانسال ۱/۳۲ و برای نسل سالخورده ۱/۶۱ است که تفاوت چندان مشهودی وجود ندارد. نسبت موافقان به مخالفان در گویه‌های سوم و چهارم و پنجم برای نسل جوان به ترتیب ۴، ۱/۹۳ و ۰/۳۴، برای نسل میانسال ۴/۵۸، ۲/۱۳ و ۰/۴ و برای نسل سالخورده ۴/۴۳، ۱/۸۶ و ۰/۴ است.

جدول شماره ۹. توزیع فراوانی نسبی نگرش سه نسل جوان، میانسال و سالخورده

در جامعه مردان مورد مطالعه

نسبها	گویه‌ها					
	۱. بهترین شغل برای زنان خانه‌داری است	۲. تحصیلات عالی برای مردان خیلی مهم‌تر است تا برای زنان	۳. به زنان در ازای کار مساوی با مردان باید مزد مساوی با مردان داد	۴. تصمیمات اساسی خانه باید به عهده مرد باشد	۵. کار منزل مربوط به زنان است و مردان نباید آن را انجام دهند	
نسل جوان	کاملاً موافق	۲۵/۳	۱۷/۹	۳۷/۷	۲۶/۶	۱۱/۳
	موافق	۳۷/۰	۳۴/۱	۳۸/۹	۲۸/۷	۱۲/۷
	مردّد	۶/۰	۹/۱	۴/۳	۵/۹	۶/۵
	مخالف	۲۲/۰	۲۷/۷	۱۴/۰	۱۸/۰	۴۷/۷
	کاملاً مخالف	۹/۸	۱۱/۲	۵/۱	۱۰/۷	۲۱/۸
نسل میانسال	کاملاً موافق	۲۶/۹	۲۰/۸	۳۸/۳	۲۸/۶	۱۴/۹
	موافق	۳۷/۹	۳۱/۸	۳۶/۴	۳۶/۶	۱۶/۸
	مردّد	۴/۵	۷/۶	۹/۱	۴/۲	۸/۸
	مخالف	۲۰/۸	۲۵/۰	۱۲/۹	۱۹/۵	۴۰/۱
	کاملاً مخالف	۹/۸	۱۴/۸	۳/۴	۱۱/۱	۱۹/۵
نسل سالخورده	کاملاً موافق	۴۰/۱	۲۲/۹	۳۴/۱	۲۶/۱	۱۰/۲
	موافق	۴۲/۳	۳۰/۴	۳۶/۸	۳۲/۲	۱۵/۵
	مردّد	۲/۲	۱۳/۷	۱۲/۱	۸/۸	۸/۴
	مخالف	۱۰/۱	۲۲/۵	۱۵/۲	۲۶/۵	۵۳/۵
	کاملاً مخالف	۵/۳	۱۰/۶	۱/۸	۵/۳	۱۲/۴

آزمون آماری کای اسکوئر بر روی رابطه بین هریک از گویه‌ها با متغیر نسل، حکایت از وجود تفاوت‌های معنادار گویه‌ها با نسل دارد. البته این تفاوت آنچنان‌که داده‌های آن در جدول شماره ۱۰ ارائه شده‌اند برای گویه دوم معنادار نمی‌باشد ولی بقیه گویه‌ها در سطح اطمینان قابل قبولی نشان دهنده تفاوت معنادار هستند.

جدول شماره ۱۰. نتایج آزمون آماری بر روی گویه‌ها در جامعه مردان مورد مطالعه

متغیرها	مقداری کای اسکوئر	معناداری	مقدار V کرامر
گویه اول با نسلها	۳۳/۴	۰/۰۰۰	۰/۱۴
گویه دوم با نسلها	۱۱/۶	۰/۱۷	---
گویه سوم با نسلها	۱۸/۱	۰/۰۲	۰/۱
گویه چهارم با نسلها	۱۸/۴	۰/۰۲	۰/۱
گویه پنجم با نسلها	۱۷/۸	۰/۰۲	۰/۱

در مجموع با توجه به نتایج آماری جدول ۸ و جدول ۱۰ و نیز تفاوت در نسبتها که بر مبنای داده‌های جدولهای ۷ و ۹ محاسبه شده‌اند می‌توان گفت که تفاوت‌های نسلی با تفاوت نگرش نسبت به مقوله جنسیت هم در جامعه مردان و هم در جامعه زنان همراهی دارند. البته این تفاوت نگرش نسلی به مقوله جنسیت در درون هر جامعه نیز همراه با تفاوت‌هایی است.

نتیجه گیری

نتایج حاصل شده گواهی بر وجود نوعی تغییر و تحول نگرش در بین نسل‌های مختلف در خصوص مقوله جنسیت دارند. اگرچه این تحول نگرش در جامعه شهری و روستایی و نیز در میان جامعه زنان و مردان در هر سه نسل جوان، میانسال و سالخورده همراه با تفاوت‌هایی است ولی در مجموع و برآیند کلی آن نشان از نوعی تقلیل در انسداد جنسیتی به عنوان بخشی از انسداد اجتماعی در سطح ذهنی دارد. فرایندی که

مقوم فرایند روان‌سازی اجتماعی است جامعه را از حالت برخوردار بودن از نگرش قطبی به سمت برخورداری از نگرش متعادل سوق می‌دهد که خود می‌تواند به عنوان شاخصه و زمینه‌ای برای تحقق توسعه اجتماعی و نیز نشانی از گذار از دوره سنتی به دوره جدید تلقی شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته، ترجمه مریم وتر، کویر، تهران.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، علمی، تهران.
- شرابی، هشام (۱۳۸۰)، پدر سالاری جدید نظریه‌ای در باره تغییرات تحریف شده در جامعه عرب، ترجمه احمد موثقی، کویر، تهران.
- عبدی، عباس و محسن گودرزی (۱۳۷۸)، تحولات فرهنگی در ایران، روشن، تهران.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۹)، بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در تهران، زهد، تهران.
- نولان، پاتریک و گرهاردلنسکی (۱۳۸۰)، جامعه‌های انسانی مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کلان، ترجمه ناصر موفقیان، نی، تهران.